

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۰۵ مارچ ۲۰۱۳

جنگ قدرت و انتخابات

پایانی در اختلافات فیما بین سران نظام جمهوری اسلامی نیست. نصایح و پند و اندرز "رهبر" هم، کارائی خود را از دست داده است و فاقد اعتبار در میان مسئولین نظام می‌باشد. علی‌رغم نصایح و گوش‌زدهای «خامنه‌ای» پیرامون پنهان‌کاری اختلافات درونی در انتظار عمومی، باز هم تنش در درون نظام بالا گرفت و گردن‌کشی‌ها برای کسب اهرم‌های دولتی وارد مرحله تازه‌ای شد.

حدوداً چهار ماهی به انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است و به‌همین دلیل هر یک از جناح‌ها با تمام قوا به میدان آمده‌اند و پرونده بالا کشیدن‌های جناح‌های مخالف را رو می‌کنند تا برای دار و دسته‌های خود، وقت بیشتری بخرند. در چنین چهارچوبه و سیاستی بود که در ماه گذشته و در صحن علنی مجلس، جناحی از وابستگان به نظام، به افشاءگری علیه جناح دیگری از حکومت‌یان پرداخته است؛ رو کردن‌ها و افشاءگری‌هایی که به نوبه خود باعث گردیده است، تا همه دلسوزان نظام را به واکنش وادارد!!

حقیقتاً که اوضاع بالائی‌ها بیش از اندازه خراب است و پاچه یک‌دیگر را می‌گیرند و مردم هم از دست سران حکومت بیش از اندازه کلافه‌اند. تهیه نان و آب به مسأله اساسی و پایه‌ی‌شان تبدیل گشته است. کنترلی بر شدت‌یابی فقر میلیون‌ها انسان ندار نیست و سران نظام هم می‌دانند که بروز هر اختلاف و دعوائی در میان بالائی‌ها، زمینه‌های بروز نارضایتی مردم و اعتراضات خیابانی - علنی را فراهم خواهد نمود. بر همین اساس، همه اصرارشان بر پنهان‌کاری جنگ بالائی‌هاست و تلاش‌شان بر آن است تا مبادا بیش از این، سر و صدا، و دعوای "خانوادگی" - بالائی‌ها -، به گوش "نامحرمان" - و پائینی‌ها - برسد. عمیقاً بر این باوراند که آشکار نمودن اختلافات درونی در میان مردم و جامعه، کیان نظام را به مخاطره جدی خواهد انداخت. علناً می‌گویند که علنی شدن اختلافات مسؤولان نگران کننده است؛ می‌گویند که مبادا جنگ قدرت‌مداران به خیابان‌ها و میدانی و تجمعات کشیده شود؛ می‌گویند که جنگ "نرم" دیگری و این‌بار به رهبری باندهای "منحرف" یعنی دولت‌یان در راه است؛ چرا که فراموش نکرده‌اند در دوران انتخابات ریاست جمهوری گذشته، چه بر سرشان آمده است. بر همین اساس هوشدارها و هوشیاری‌های‌شان چندین برابر شده است و تأکید جناحی از حاکمیت - لاریجانی و دار و دسته‌هایش - بر آن است که: "موجی سهمگین‌تر و خطرناک‌تر از ۸۸ در ۹۲ خواهیم داشت و یاران رهبر و انقلاب آمادگی کامل داشته باشند".

البته نظام پیشاپیش، تدارک قلع و قمع نمودن مخالفت‌ها و اعتراضاتی همچون بعد از اعلان انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ را دیده است. پیشاپیش و هر یک از جناح‌ها و به‌منظور تطهیر ماهیت کثیف خود، علل جنگ و دعوای درونی‌شان را در دفاع از منافع مردمی توضیح می‌دهند!! دروغ می‌گویند و هدف‌شان انحراف افکار عمومی و تأمین

منافع جناح‌های خودی است و اصلاً و ابداً جنگشان - و علی‌رغم اختلافات صوری -، بر سر به رسمیت شناختن حقوق پایمال شده انسانی و تأمین زندگانی میلیون‌ها انسان ندار نیست؛ بحثشان بر سر کنار زدن جناح‌های رقیب از دم و دستگاه‌های دولتی است. در حقیقت بالا کشیدن اموال عمومی و همچنین سرکوب اعتراضات مردمی، به‌مثابه جواز ورود هر یک از آنان به ارکان‌های کلیدی نظام تلقی گشته و بدون حمل چنین نگاه و عمل‌کردی، قادر به "رشد و ترقی" در مناسبات و روابط سرمایه‌داری وابسته نبوده و نیستند. با این اوصاف بی جهت پُر دفاع از منافع مردمی را می‌گیرند، و مسلم است که توده‌های محروم، هیچ‌یک از عناصر و جناح‌های حکومتی - دولتی را در صف خود قلمداد ننموده و همه آنان را، حامی طبقه بالائی‌ها به حساب آورده و می‌آورند. خطاب‌ها و خطابه‌های سران حکومت به نوبه خود گویای این مدعاست و مردم هم، عملاً و در این چندین دهه و به‌عینه لمس نموده‌اند که بالائی‌ها علی‌رغم ظاهرسازی‌های عوام‌فریبانه، طرف آنان نیستند؛ به تجربه دریافته‌اند که تفاوت منافع آنان با منافع میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش از زمین تا آسمان است؛ به این درجه از ادراک رسیده‌اند که دو طبقه کاملاً مجزا از هم‌اند و وجود و حاکمیت بالائی‌ها، چیزی جز، تخریب جامعه و نفع پائینی‌ها نیست؛ دیده‌اند که جنگ بالائی‌ها کمکی به اوضاع بد معیشتی‌شان نمی‌کند و علل، در زیاده‌خواهی این جناح، نسبت به جناح دیگر حکومتی - دولتی است.

به هر حال و فارغ از ماهیت جنگ قدرت در درون نظام، دو موضوع در این‌میان مبرهن است، اول این‌که، در ابعادی وسیع‌تر و گسترده‌تر از گذشته، بر تنفر، انزجار و نارضاقتی مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی افزوده گردیده است، و دوم این‌که، دامنه اختلافات درون حاکمیت، تنگ و تنگ‌تر شده است تا جایی‌که «احمدی‌نژاد» منتخب "رهبر" هم به صفوف مخالفان "ولایت فقیه" پیوسته است و طرفداران "رهبر"، نام وی را در لیست "جریان انحرافی"، "سیاه" و "شعبان بی‌مخ"ها گنجانده‌اند و دولتیان را به عناصر "معلوم‌الحال"ی که از فرامین و دستورات روشن و صریح «خامنه‌ای» سر پیچی می‌نمایند، به جامعه معرفی می‌کنند!!

جامعه بالائی‌ها در چنین فضائی به سر می‌برد و مسلماً علنی شدن اختلافات جدید در درون نظام، نه هم‌زمان و با پخش نوار مابین «فاضل لاریجانی» و «سعید مرتضوی» در صحن علنی مجلس، بلکه به بر کناری «حیدر مصلحی» وزیر اطلاعات از جانب «احمدی‌نژاد» و ابقای آن توسط «خامنه‌ای»، و همچنین به اختلافات طول و دراز قوه مقننه با قوه مجریه بر می‌گردد. مضافاً این‌که نافرمانی و عدم اجرای فرامین مجلس از جانب دولتیان و همچنین انتخاب و جابه‌جایی طرفداران دولت و مخالفت نمایندگان با سیاست‌های دولت باعث گردیده است تا «احمدی‌نژاد»، بارها و بارها مورد بازخواست و مواخذه جناح‌های رقیب قرار گیرد و در این رابطه، یکی دیگری را، به تخطی از قانون اساسی و سوءمدیریت و نافرمانی از فرامین "ولی فقیه" متهم نماید!!

در حقیقت و این‌ها، ظواهر امر و همچنین موضوعاتی است که در هفته‌های اخیر و به ویژه از جانب قوای سه‌گانه نظام مطرح گردیده است. اما، علت اصلی چنین وضعیتی، به اوضاع بحرانی جهان سرمایه‌داری و به تبع آن، به سیاست‌های چپاول‌گرایانه و اشتهای بی‌در و پیکر حامیان نظام وابسته جمهوری اسلامی و همچنین به وضعیت بد اقتصادی میلیون‌ها انسان محروم بر می‌گردد. علت حقیقی در آن است که هر یک از جناح‌ها در تلاش‌اند تا به‌منظور تداوم غارت و چپاول‌گری به نفع جناح‌های خودی، جای پای خود را در ارکان‌های نظام، هر چه بیش‌تر محکم‌تر نمایند. در بستر چنین واقعیاتی است که با تمام قواء به میدان آمده‌اند و در صدد تصاحب هر چه بیش‌تر کرسی‌های مجلس و همچنین ریاست جمهوری در دروه آتی می‌باشند. به بیانی دیگر دعوای‌شان، چیزی جز نقش داشتن هر چه بیش‌تر در قدرت دولتی و سمت‌وسو دادن سرمایه‌های مملکتی به جیب باندهای خودی نیست. دغدغه سران نظام نه بر سر مبارزه و یا مخالفت با غارت اموال عمومی بلکه در علنی نمودن آن‌ها در میان مردم، و همچنین نافرمانی از نصایح و پند و اندرزهای "رهبر" جمهوری اسلامی است. بیهوده نبوده و نیست که روزنامه‌ها و سایت‌های طرفدار «خامنه‌ای»، دو

طرف درگیر را، به خیانتکاران نظام معرفی نموده‌اند و همچنین در سایت خبر آنلاین وابسته به «علی لاریجانی» می‌خوانیم که: "جریان انحرافی در پاکترین و مهمترین و حساس‌ترین دور از تاریخ نظام، برگ دیگری از خیانت سناریوی براندازی علیه نظام با هدف ضربه زدن به ولایت و رهبری را انجام داد" و در ادامه و همچنین در حمله با مهر و نعلین هواداران «احمدی‌نژاد» به «لاریجانی» در قم می‌آید که "اینان بدون پشتوانه و چراغ سبز طراحان و عاملان اصلی آن در دولت کاری خود سر انجام نداده‌اند و آن‌گونه که در اخبار آمده است مستنداتی از این اقدام زشت طراحی شده بود".

یک‌موضوع را می‌توان اعلام نمود مبنی بر این‌که هر زمان جنگ مابین بالائی‌ها شدت می‌گیرد، زمینه برای ابراز نارضایتی مردمی فراهم می‌گردد و بالطبع و در صورت سیطره سیاست‌های درست و سالم، به نفع اعتراضات مردمی تمام خواهد شد. در هر صورت و خارج از چگونگی راه و روش هدف‌مندی، و غیر هدف‌مندی منافع مردمی، جامعه ایران در انتظار تنش وسیع‌تر و حادثه از گذشته، هم مابین بالائی‌ها با بالائی‌ها، و هم مابین پائینی‌ها با بالائی‌هاست؛ یک موضوع را می‌توان تأکید نمود که اگر روز و روزگاری گفته و نصایح "رهبر"، حجتی برای جناح‌های رقیب حکومتی بود، این روزها سخن از بی اعتباری آن در میان مسؤولین دولتی و حکومتی به‌میان می‌آید؛ سخن از آن است‌که بخشی از دولت و دولتیان در مقابل "رهبری" به صف شده‌اند و رئیس مجلس هم گوش شنوایی خود را از فرامین "رهبری" - پیرامون علنی نکردن اختلافات مسؤولین نظام در میان مردم -، از دست داده است؛ سخن از آن است‌که "منحرفان" - یعنی دولیان -، بازی خطرناکی را آغاز نموده‌اند و جریان حاکم بر دولت آن را مدیریت می‌کند؛ سخن از آن است‌که دولتیان در فکر سازماندهی و تصاحب جایگاه ریاست جمهوری در دروه آتی‌اند؛ سخن از آن به‌میان می‌آید که بداخلاقی‌های قم، مصداق صریح خیانت است و همچنین سخن از آن به‌میان می‌آید که به هیچ‌کس اجازه قلدر بازی داده نمی‌شود و تأکید دار و دسته‌های رنگارنگ "رهبر" بر آن است‌که دوران شعبان بی‌مخ‌ها گذشته است و همه موظف و ملزم به اطاعت بی‌چون و چرا از "ولی فقیه"‌اند!!

در حقیقت دنیای بالائی‌ها، این‌روزها چنین شکل و شمایلی را به‌خود گرفته است و هر روزه تنش تازه، و همچنین "بداخلاقی"‌های بیش‌تری را از سوی مسؤولین نظام مشاهده می‌کنیم. استیضاح‌ها و بگیر و ببندهای مدافعین نظام هم از جانب باندهای رقیب کارساز نیست و هر یک در پی اعمال سیاست‌های جناح‌های خودی علیه جناح دیگری است. فساد سراپای جامعه را در بر گرفته است و هر یک از جناح‌ها و آن‌هم به وسعت ایران، سرمایه اندوخته‌اند و در فکر انباشتن بیش از این‌اند. در عوص توده کارگر، فاقد پائین‌ترین امکانات کاری و معیشتی است. حقوق‌های‌شان ناچیز است و پرداخت آن‌هم به موقع نیست و به‌موازات آن‌ها، گرانی کمرشان را خم نموده است. نه تنها نفت را بر سر سفره مردم نبردند بلکه نان را هم، از سفره تھی آنان گرفته‌اند. با این تفصیل چگونه می‌توان به مدافعین چنین نظام‌هایی اطمینان نمود و تضادهای آنان را در چهارچوبه منافع مردمی توضیح داد؟ چگونه می‌توان اختلافات درونی آنان را به‌عنوان بخشی از تضاد خود با حاکمان سرمایه تلقی و ماهیت واقعی جنگ و دعوای‌شان را لاپوشانی نمود؟

به تجربه دریافته شده است‌که جنگ مابین حاکمان، جنگ مردم نیست. جنگ‌شان برای انتخابات است و انتخابات آنان هم، انتخابات مردم نیست. انتخابات در چنین نظام‌هایی به‌معنای انتصاب و ابستگان به طبقه سرمایه‌داری وابسته ایران است و مردم در چنین دوران و شعبده‌بازی‌هایی، هیچ نقشی به غیر از گرم نگه داشتن تنور انتصابات رژیم جمهوری اسلامی، بر عهده - نداشته و - نخواهند داشت. تاکنون رأی‌شان به حساب نیامده و در آینده هم به حساب نخواهد آمد. کاندیداهای‌شان هم، کاندیداهای از فیلتر رد شده‌نظام است و هیچ‌یک از آنان، سخن‌گو و مدافع مردم نبوده و نخواهند بود. گواه تاریخ و ثمره کاندیداهای رژیم جمهوری اسلامی نه تنها خلاف چنین حکم و استدلالی را به‌نمایش نمی‌گذارد، بلکه مبین این واقعیات است‌که هیچ‌یک از عناصر وابسته به نظام، در تخالف با منفعت سرمایه‌داران و طبقات حاکم به صف

نشده‌اند. نتایج و عمل‌کردهای تاکتونی انتخابات و عناصر بیرون آمده از آن هم، این حقیقت روشن را در مقابل‌مان قرار می‌دهد که کار و بار منتخبین نظام، تخریب هر چه بیش‌تر زندگانی مردم و غارت اموال عمومی جامعه است. بنابر این و با وجود چنین تجارب تلخ و خسران‌سازی، و با وجود نتایج سراسر منفی و خانه‌خراب انتخابات، می‌بایست با تمام توان، زمینه گرم نگه داشتن تنور انتخابات ریاست جمهوری آتی را برای جناح‌های متفاوت رژیم، محدود و مسدود ساخت، و وارد بازی‌های جناحی و جنگ قدرت آنان نشد، و مهم‌تر از همه این‌ها، اجازه داد تا سران حکومت، بیش از این، هم‌دیگر را بدرند. نه باند «احمدی‌نژاد» سوخته رهبری در آینده برای مردم و مملکت مفید خواهد بود و نه لاریجانی رئیس مجلس و دل‌چرکین بیت رهبری، در تحالف با منافع طبقه سرمایه‌داری وابسته به میدان - آمده و - خواهد آمد. کارکرد و ماهیت همه اینان کاملاً روشن است و از جانب مردم، طرد شده‌اند و همچنین نافرمانی و بداخلاقی‌های‌شان باعث گردیده است تا بیت رهبری و نظام در پی افراد گوش به‌فرمان و خادمی هم‌چون «حداد عادل»، «علی‌اکبر ولایتی» و «محمدباقر قالیباف» و امثالهم در این دوره از تاریخ حیات رژیم جمهوری اسلامی باشند. ناگفته نماند که حلقه انتخابی نظام نسبت به قبل هم، تنگ و تنگ‌تر شده است و بیهوده نیست که بعضاً وابستگان به نظام بر شعار "انتخابات آزاد" و دخالت دادن "گرایش‌های متفاوت" سخن به‌میان می‌آورند. اما چه کسی است که نداند شعار انتخابات آزاد و دخالت دادن گرایش‌های متفاوت، چیزی جز به بازی گرفتن باندهای متفاوت نظام امپریالیستی در ایران نیست؟

۴ مارچ ۲۰۱۳

۱۴ اسفند [حوت] ۱۳۹۱